



## اتحاد

آزاده سالمی

بعد از این همه  
بی تفاوتی، عبور  
موج‌ها به هم رسیده‌اند  
یک به یک به هم سلام کرده‌اند  
طعم اتحاد را چشیده‌اند  
علیه تفرقه قیام کرده‌اند  
ساحل از شنیدن صدای خنده‌هایشان  
غرق شور و شادی است

## نان آسمان

لطافت کنجا به‌وا\*

شاعر تاجیک  
متولد ایالت سغد  
اندر تنور آسمان  
مامای شب  
پخته‌ست نان  
یک دانه نان  
نان کلان  
بهر ستاره بچگان

\*سایت کتابک

## بمان

حسین تولایی\*

من و تو زیر باران تنها  
همیشه از همان آغاز تنها  
بمان تا «باز باران با ترانه»  
نماند بر لب آواز تنها  
\*از کتاب «باران در خودم می‌بارد»

## راه قشنگ

محسن اعلا

وقتی که کوچید از دل ما  
مثل پرستویی، محبت  
وقتی که رفت از خاطر ما  
اندیشه پاک رفاقت  
پژمرد بر لب هرچه لبخند  
بخ بست در دل هرچه شادی  
از هر طرف آمد خدایا!  
اندوه و غم‌های زیادی

این زندگی انگار بی عشق  
معنای خود را داد از دست  
شد لحظه‌ها در پیش چشم  
یک کوچه تاریک و بن بست

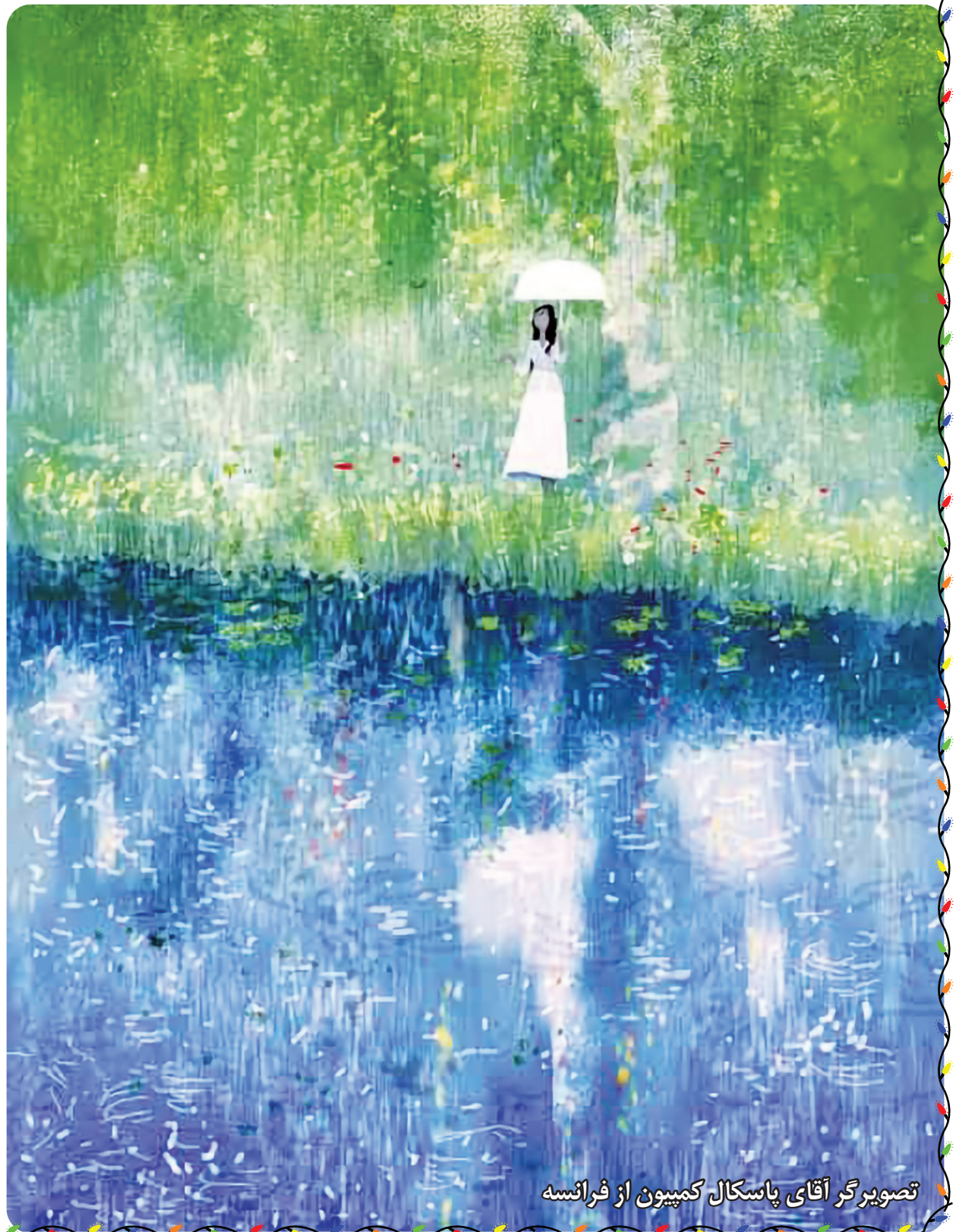
سمت امید و عشق و شادی  
ای کاش! راهی باز می‌شد  
سوی ستاره، آسمان، ماه  
راهی قشنگ آغاز می‌شد

## قطار چهارشنبه

منیره هاشمی\*

زندگی قطار کوچکی ست  
من سوار واگن چهارشنبه‌ام  
پشت پنجره هوا چه رنگی است؟  
پرده را کنار می‌زنم  
شب گذشته است  
واگن چهارشنبه خالی است  
چند قطعه شعر توی یک کتاب...  
یک مداد توی دست...  
پنجره که می‌رسد  
به آسمان و ابرها...  
وقت رفتن است  
می‌روم به پنج‌شنبه با اجازه خدا

\*از کتاب «قطار چهارشنبه»



تصویرگر آقای پاسکال کمپیون از فرانسه